

بعد ناشناخته

جلد اول

گردآوری: سیدجلال صیادمیری



انسانهای دوسر

پروازهای عجیب

ایا غول ها افسانه اند

براستی که انسان امروز با تمام دانش و تکنولوژی ، با تمام علم و معلوماتی که طی سالیان زیاد به ان دست پیدا کرده چیز زیادی از گذشته زمین نمیداند . حتا این علم در بعضی از مواقع مسائلی را در برابر او قرار داده که هرگز تصویرش را هم نمیتوانست بکند . امروزه با " کرین - ۴ " میتوان به تاریخ یک پدیده و یک اثر دست پیدا کرد . حتا دانشمندان ما سالیان سال است که به روی دستگاهی کار میکنند که میتواند صدا را از داخل شیئی برای انسان بازسازی کند . فرض کنید صدای ترانه گوزه گری که قرنهای پیش هنگامی که داشت کوزه ای را میساخت شنیده شود . فرض کنید در میان بناهای تاریخی صدای سازنده ان بناء بگوش برسد !! براستی من و شما چه حالی خواهیم شد؟ حال فرض کنید که بتوانیم دردها و شادیهای یک نسل از پیشینیانمان را بشنویم ، آیا با تمام این دانسته ها میتوانیم به عمق تاریخ برویم ؟ چند روز پیش (جمعه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۴) یکی از دوستان و عزیزان همیشگی وبلاک خواهر عزیزم " خاطره " در بخش نظرات



مطلبی را گذاشته بود که من انرا دوباره در بخش نظرات امروز قرار دادم (برای اینکه وبلاک سنگین نشود مطلب را در ان قسمت قرار دادم) مطلب از این قرار است که باستانشناسان در حفاریهای که در قسمت «لفورک» سوادکوه در مازندران انجام دادند به اسکلت انسان های سردرازی برخورد کرده اند که در نوع خود باور نکردنی و بسیار حیرت انگیز است !! اما مطلبی را که من برای شما در نظر گرفته ام یکی از باور نکردنی ترین ، و وحشتناکترین اکتشافات باستانشناسان میباشد !! این اکتشاف عجیب باعث شد که باستانشناسان چندین کشور از جمله فرانسه ، انگلیستان ، امریکا و بخصوص المانیا انرا باور نکردنی ترین و وحشتناکترین یافته های باستانشناسی بدانند . کارگران یک معدن در بنگلادش هنگامی که مشغول حفاری در یکی از معادن زغال سنگ بودند . به اسکلت انسانی برخورد کردند که به شکل عجیبی بود . در این معدن یک مهندس المانی به نام اشمیت هنگامیکه این صحنه را از نزدیک دید از انها خواست که اسکلت را همانگونه بگذارند تا محققان انرا

بررسی کنند بلافاصله چند تیم از المان و فرانسه به محل مورد نظر رفتند و پس از بررسی متوجه شدند این اسکلت متعلق به انسانی است که دارای دو سر بهم چسبیده ولی مخالف هم است . بعد از اعلام این خبر چند دانشمند انسان شناس از امریکا و انگلیس وارد منطقه شده و مجسمه مورد نظر را بررسی کردند !! انها هم تعجب کردند که این مجسمه متعلق به انسانی دو سر است . و امکان دارد مثل انسانهای دیگر ناقص بدیا آمده باشد . اما وحشتناکترین کشف تاریخ اتفاق افتاد (البته از نظر انسان شناسی) باستانشناسان کشور فرانسه و المان در نزدیکی معدن زغال سنگ قبرستانی را پیدا کردند که نزدیک ۱۴ اسکلت انسان دو سر در



ان دفن شده بود !! این اسکلت ها متعلق به انسانهای کوتاه قدی بود که چهره های مثل کودک داشتند . بلافاصله این اسکلتها به لابراتورهای پیشرفته ارسال شدند تا بررسیهای دقیقتری روی ان انجام گیرد . اما نتیجه باور نکردنی و تعجب برانگیز بود . این افراد دو سر ، با دو بدن مجزاء که بصورت متضاد از یکدیگر بودند ، بدنیا آمد بودند ، هر دو بدن از یک مغز نصبتا بزرگ فرمان میگرفتند . انها در ماههای ابتدائی تولد با عمل پیچیده ای از گلوئی بدن دیگری جدا شده بودند !! اما در این میان نکته دیگری هم بود و ان اینکه حداکثر عمر این انسانهای دو سر ۲۵ تا ۲۷ سال بود و انها در سنین جوانی مرده بودند . از ۱۵ اسکلت پیدا شده ۴ زن و ۳ کودک ۷ تا ۱۱ ساله و باقی مرد بودند . هر دو مجسمه ها تا آخرین روز زنده و در حال رشد بودند !! در میان افراد بومی منطقه ، افسانه ای وجود داشت که بنظر میرسید دیگر افسانه نباشد و ان اینکه در این افسانه نقل شده که در گذشته دور فرزندی از شیطان متولد شده بودند که دوسر داشتند . انها وقتی بدنیا می آمدند شیطان تصمیم

میگرفت که کدام تن زنده بماند و کدام قربانی شود . البته در این حکایت تعداد این موجودات که فرزندان شیطان لقب گرفته بودند باید زیاد باشد چرا که در این افسانه از شهری صحبت میشود که انها ساکن ان بودند . این اکتشافات در دسامبر سال ۱۳۸۲ صورت گرفت و محققان تنها توانستند یک بدن بی سر را که در خمره ای قرار داشت پیدا کنند . آیا براستی این انسانهای دو سر همان فرزندان شیطان بودند؟ چگونه ممکن است ۲ سر از یک مغز دستور بگیرد ؟ در مطالب بعدی از پیدا شدن مجسمه ای با شما سخن خواهیم گفت که متعلق به انسانی غول پیکر بوده است . مطالب بعدی ما درباره غول هاست آیا براستی غول وجود داشته است ؟ آیا شما نام ساجکواچ را شنیده اید...؟ آیا غولهای کالیفرنیا و کوه های تبت وجود خارجی دارند ؟... این سئوالی است که جواب انرا در مطلب بعدی به شما عزیزان خواهم داد ...نظرات شما مرا دلگرم میکند..انرا دریغ نکنید .



ایا براستی انسان میتواند پرواز کند ؟ ایا روایات اینگونه پروازها حقیقت دارد؟؟ "پرفسور " اریک نورمن " یکی از باستان شناسان شهر دانشگاه هاروارد میگوید : هنوز انسان چیزی از علوم تمدنهای گذشته نمیداند به عنوان مثال , شاید برای شما غیر باور باشد که اعلام نمایش مصریان از نوعی نور مصنوعی استفاده می کرده اند . آنها از وجود انرژی الکتریکی باخبر بوده اند . یا پرفسور " گونیم " میگویند من مطمئنم آنها با اسرار علمی و همینطور انرژی الکتریکی غریبه نبوده اند و اشاره کرده است که اطاقهای سری در اعماق اهرام وجود دارند که بعد از سپری شدن بیش از ۴۰ قرن و پس از کشف و گشوده شدن مجدد , وقتی هوای تازه بدرون آنها نفوذ کرد , دیوارها و کف و سقف آنجا پوشیده شده بود از هیروگلیف و رنگها و نقش های گوناگون , و کاملاً واضح است که آن نقاشی ها با دقت و ظرافت بعد از نصب آن سنگهای عظیم به روی دیوارها کشیده شده



است . با این حساب هنرمندان آن عصر از چه چیز به عنوان منبع روشنایی استفاده میکردند؟؟ کار هنری به آن دقت و ظرافت نیاز به روشنایی معادل روشنایی روز دارد . چراغهای معمولی و مشعل نمیتوانسته کار ساز باشد و از طرف دیگر واضح است که از این قبیل وسائل روشنایی استفاده نشده است . زیرا هیچگونه اثری از دود و دوده در آنجا وجود ندارد . در این قسمت دوباره پرفسور " اریک نورمن " میگوید : شاید عجیب و غیر باور باشد که اعلام نمایش مصریان از نوعی نور مصنوعی استفاده میکردند . و حتی قبل از کشف عدسی در آن اماکن (بعدها در آنجا نوعی عدسی پیدا شد که تما محققان را دچار تعجب کرد) نظریه فرایند الکتروشیمی مطرح شده بود ... " از مطلب مورد نظر خود دور نشویم.. در بعضی از دستنوشته ها مطالبی بچشم میخورد که باور کردنی نیست.. در گذشته مردم در مورد مصریان عقاید عجیبی داشتند . مثلاً مصریان میدانستند که چگونه نیروی جاذبه را خنثی نمایند و یا بلد بودند که با استفاده از وسایل فوق صوتی

سنگهای عظیم را بریده و حمل نمایند . همانطور که کاروکس ادعا می کند " انسانهای ماقبل تاریخ پی به نیروی ارتعاشات برده و از آنها برای بریدن سنگ چخماق استفاده میکرد " یا در کتاب لئوناردو در مورد سحر و جادوی کلدانیان چنین آمده است " کاهن های عون میدانستند چگونه طوفانها را از خود دور کنند و یا از سنگهای عظیم برای ساختن معابد خود استفاده کنند که نیروی هزار مرد برای جابجایی آنها لازم بوده است " یا طبق یک افسانه عربی , مصریان با ورد کلمات سحر امیز مکتوب و در طومارهای پایپروس , سنگهای عظیم به کار رفته در اهرام را در هوا به پرواز در آورده و در محل مورد نظر پائین می آوردند . ژاک ویس این افسانه را بخاطر داشته که چنین نوشته است " قطعه سنگهای عظیم تا ۶۰۰ تن یک وجهشان مقعر و وجه دیگرشان محدب است لذا در موقع کار گذاشتن کاملاً به همدیگر چفت و جور شده و یک بنای یکپارچه کاملی را به وجود می آوردند . و تنها راه قرار دادن آنها بر روی هم این است که آنها در هوا معلق نگه داشته و به آرامی در محل خود بچینند " کاروکس میگوید که کاهنان مصر باستان به داشتن قدرت شناور شدن در هوا شهرت داشتند و در این رابطه مثالهای جالبی از نویسندگان قدیم می آورد . یا پلینی (پدر) بیان میکند که دینوکریس که یک معمار هم عصر اسکندر کبیر بود , طاق اصلی معبد ارسینو را از سنگهای آهن ربا ساخت تا اینکه بت های آنجا به صورت معلق در هوا بمانند . و یا حکیم ریوفینوس اهل اکولیا که در قرن چهارم میلادی میزیست و مورد استفاده از نیروی مغناطیس از مشاهدات شخصی خود از معلق ماندن یک دیسک در هوا در معبد عظیم سراپیس در نزدیکی اسکندریه , که سنبل خورشید بود نام میبرد . حکیم لوسین (قرن دوم میلادی) که به خاطر سوفسطایی (بدبینی) شهرت دارد , اشاره کرده است که در یکی از معابد سوریه کاهنان آنجا تندیس خدای (بت) خود را در حال تعلیق در هوا نگهداشته بودند . موضوعات مربوط به شناور ماندن در هوا را میتوان در منابع مختلف مربوط به دورانها و مردمان گوناگون مشاهده کرد , از جمله : کاسیوس دوروس که یک سیاستمدار و نویسنده قرن پنجم میلادی بود , صحبت از کوپید (تندیس عشق که بصورت یک کودک برهنه بالدار که کمانی در دست دارد) می نماید که در معبد دایانا بین زمین و آسمان در هوا قرار گرفته بود . و در تبت هزاران نفر زوار صومعه خالدان , تندیس "تسان کابا" را که یک مصلح بود , در حال تعلیق در هوا مشاهده کرده بودند . و در کلیسای بیزان در ایبسنیا, یک میله فلزی مشهور به میله پرده , قرنهای بین زمین و آسمان در هوا معلق مانده بود . این موضوع را پدر " فرنسیسکو الوارز " که در سال ۱۵۱۵ میلادی به عنوان منشی سفارتخانه پرتغال انجام وظیفه میکرد بیان نمود و تاکید کرده است که هیچ کلکی در کار نبوده و هیچ وسیله نامرعی برای حفظ آن در هوا وجود نداشته است . این موضوع را دو قرن بعد ژاک پاست نیز تعریف کرده است و چون احتمال میداده است که شاید یک وسیله نامرعی آنرا در هوا نگهداشته است از متولی آنجا خواسته بود تا به او اجازه دهد وی آنرا از نزدیک معاینه نماید و مینویسد " من میله ای را در بالای آن و در پائینش و همینطور در اطراف آن حرکت دادم و برایم مسلم شد که هیچگونه تکیه گاه نامرعی آن را در هوا نگاه نداشته است " در اینجا باید مطلبی را که دوست عزیزمان " ۴- باد " در هفته های گذشته برایم کامنت کرده عنوان کنم . ایشان بعد از نگارش عجایب " شیخ بهائی" نوشته بودند : از دیگر عجایب شیخ بهائی کار گذاشتن مجسمه ای در اطاقی , که بصورت معلق باقی مانده بود . هنگامی که چهار گوشه اطاق را کندند مجسمه بر زمین افتاد و هرگز به حالت اولیه باز نگشت , هنوز هیچ کامپیوتری قادر به محاسبه انرژی مغناطیسی این چهار قطب که جاذبه زمین را از بین برده بود نیست . (با تشکر از ایشان) من هرگز مطالب را هر چند کوچک باشند نادیده نمیگیرم و آنها را جمع میکنم چون میدانم یکروز بکار می آید . ایا اینها نمونه هائی از خواص مغناطیسی است و یا مربوط به وسایل مافوق صوت میباشد ؟. یا براستی اصراری وجود دارد که فهم انسان امروزی از درک آن عاجز است . دوباره به گفته پرفسور " اریک نورمن " دقت کنید : هنوز انسان چیزی از علوم تمدنهای گذشته نمیداند!! عنوان کردن این جمله در عصری که دانش و فن اوری جهان را تسخیر کرده , یک جمله کاملاً عجیب است.. اما من میگویم انسان امروز هیچ چیز از علوم تمدنهای گذشته نمیداند.

از روزی که انسان پا به این کره خاکی نهاد ، یک رویا ملکه ذهنش بود . وقتی انسان پرندگان را در آسمانها میدید ، آرزو میکرد ای کاش میتوانست مثل آنها پرواز کند . البته در عصری که ما زندگی میکنیم دیگر این یک رویا و آرزو نیست . بشر امروز به لطف دانش و تکنولوژی توانسته زمین را ترک کرده و پا به کره های دیگر چون ماه و مریخ بگذارد . اما تمام این دانش ها و تمام این معلومات ها در برابر یک معمای بی جواب قرار گرفته . آیا انسان میتواند به تکیه بر ذهن و مغز خود اثر جاذبه را از بین برده و به پرواز دربیاید؟ نه شما اشتباه نکرده اید ، و سوال من درست بیان شده !! آیا براستی انسان چنین قدرتی دارد ؟؟؟ در عصری که هواپیماهای مافوق

صوت فاصله های بین قاره ای را در کمترین مدت می پیمایند ، گفتن اینکه انسان دارای یک توانایی ذاتی برای پروازهای خودبخودی و بدون مساعدت از لوازم مصنوعی است کاملاً بيمورد بنظر میرسد.. اما تاریخ حرفهای دیگری دارد . مسیحی ها فقط مقدسین پرنده خود را گرامی میدارند و هیچ اهمیتی برای صوفیانی که دارای چنین قدرتی هستند، قائل نیستند . در روایات بسیاری آمده که مردم بارها حضرت " مسیح " را دیده اند که به روی دریاچه " گارلی " قدم میزد !! ولی آیا تنها ایشان بوده که چنین قدرتی را داشته .؟ چیزی که به یقین میتوان گفت، این است که پیرامون ما نوعی نیروی طبیعی وجود دارد که برای علم کنونی ما مجهول بوده و عده ای با توسل به آن میتوانند از زمین بلند شوند. هر اندازه که ما از جهان بینی اروپائی معاصر دور میشویم و در زمان و فرهنگهای دیگر سیر میکنیم، شواهد بیشتری را میابیم که نشان میدهد این نیروی طبیعی از دیرباز تا امروز شناخته شده بوده و طی قرون مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است..حتی میتوان ادعا کرد که در برخی از مواقع ، از آن استفاده های مفیدی نیز شده است... امار مربوط به پرواز در چهارچوبهای مذهبی بی شمارند . " اولیویه لروی " در کتاب خویش به حکایت ۲۳۰ قدیس



کاتولیک اشاره میکند که این استعداد ویژه را داشته اند . از جمله آنها میتوان " سنت ایگناتیوس لویولا " را نام برد که هر وقت در حال عبادت بود، حدود ۳۰ سانتیمتر از زمین بلند می شد . " سنت ادولفوس لیگوری " هم در پیش چشم همه شرکت کنندگان در مراسم کلیسای " فوجیا " در سال ۱۷۷۷ میلادی به هوا بلند شد . یک مورد دیگر مربوط به راهبه ای بنام "خواهرماری" میباشد که در باغ صومعه ای در شهر " بتلهم " گاهی تا ارتفاع سرشاخه درختان صعود میکرد و همانطور که بالا میرفت، دست خود را به شاخه های درختان میگرفت !! تحقیقات مربوطه نشان میدهد که در تمامی این موارد، شخص در یک حالت خلسه یا نشئه مذهبی قرار داشته و شناوری جسمانی یک مفهوم ثانویه از خود گسستگی فکری یا مسافرت معنوی دارد . البته این پدیده فقط منحصر به قدیسان کاتولیک نبوده، و هواروندگان مسلمانی نیز وجود داشته اند که از جمله آنها " حیدر " درویش ایرانی سده دوازدهم میلادی بود که در پرشهای ناگهانی به بالای درختان و یا سقف منازل تبحر داشته است . " سنت جوزف " اهل شهر " کاپرتینو " (تولد ۱۶۰۳ - وفات ۱۶۶۳ میلادی) که فرد ساده لوحی بود، برای پرهیز از شهرتی که بخاطر صعودهای تماشائی اش کسب کرده بود ، دائم توسط مافوق هایش از یک کلیسای فرقه " فرانسیس مقدس " به دیگری پاس داده می شد...بخاطر اینکه در حین مراسم کلیسا ناگهان فریادی میکشید و به هوا پرواز میکرد و باعث اختلال در مراسم می شد، او را از نیایش در جمع منع کرده بودند و وادار شده بود که این عبادت هواپیش را به تنهایی و در خلوت انجام دهد!! همانطور که قبلاً اشاره کردم ، امار مربوط به پرواز در چهارچوبهای مذهبی بیشمارند.اما پروازهایی که در عصر حاضر صورت گرفته کم نیستند.. اگر یادتان باشد من در مطلبی با عنوان " S.J.S News یا عجایب عجیب " از شخص نام بردم بنام " نوح " و گفتم ایشان پدری داشته اند به همین نام " نوح " پدر قادر بود براحتی به پرواز درآید . این مرتاض هندی اکثراً هنگام خواب به پرواز درمیآمد ..عکسی را ببینید مطعلق به " نوح " پدر میباشد ..در سال ۱۹۳۸ یک انگلیسی بنام " کالین اوز " موفق شد در یک سالن عمومی به پرواز درآید.. این کار باعث شد او برای مدتی تیتیر اصلی روزنامه ها بشود.. " جانتان ایتوان " که یک نقاش فقیر بود در سال ۱۹۴۵ تصویر یک نفر را که در مکانی به پرواز در آمده بود را کشید..این تابلو اکنون یکی از گرانتترین آثار نقاشی بشمار میرود... اما آخرین مدرکی که من توانستم از اینگونه پروازها پیدا کنم مربوط میشود به گروه شیطانهای سیاه در امریکا این گروه در سال ۱۹۶۸ تشکیل شد..اکثر مردم عقیده داشتند این گروه قدرت خود را از شیطان میگیرند..سه تن از آنها براحتی چیزی حدود ۱۵ سانتیمتر از زمین فاصله میگرفتند.. اما براستی این نیرو چگونه در وجود آدمی شکل میگیرد؟ آیا ذهن انسان انقدر نیرو دارد که آدمی را به پرواز دریاورد .؟ جواب آن با شماست!!!! **پایان**

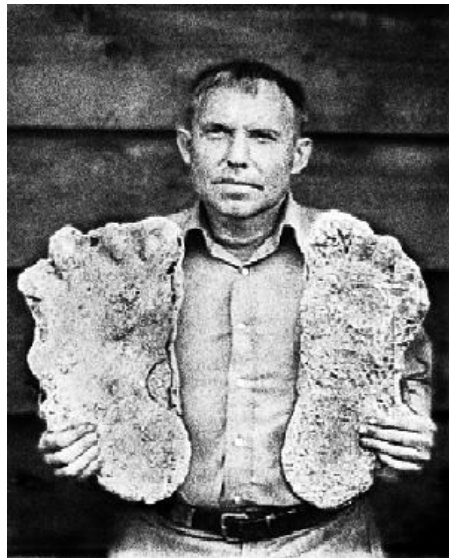


"سورت" و "بلامی" برای اولین بار این سنوال را مطرح نمودند که اگر یک قمر به زمین نزدیک و نزدیکتر بشود چه اتفاقی روی میدهد؟ یکی از تاثیرات آن این خواهد بود که قوه کشش آن به نسبت بیشتر خواهد شد. شدت جذر و مدها زیادتر شده و سطح وسیع تری از سواحل را شستشو خواهد داد، و از تاثیرات ثانوی آن این خواهد بود که انسانها و کلیه موجودات زنده بلند قدتر خواهند شد. طبق نظر این دو دانشمند این تنها دلیل ممکن برای توجیه علت پیدایش گیاهان و حیوانات عظیم الجثه و غول پیکر و انسانهایی به قد بیش از ۵ متر است که در روی زمین می زیسته اند، و طبق این تئوری افزایش قامت انسانها و همینطور بالا رفتن ضریب هوش آدمیان در اثر افزایش اشعه کیهانی بوده است. از اینگونه مباحث متشنج کننده درباره طبیعت و این اشعه وجود داشته است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. سالیان متوالی بررسی و تحقیق لازم است تا بتوان به نتیجه قطعی دست یافت. پرفسور "یعقوب ایوگستر" که در این رابطه برتر از همه است اعلام نموده است که: "اشعه کیهانی نیز مانند اشعه ایکس و غیره ممکن است دارای دو نوع تاثیر باشد، یعنی ممکن است باعث تغییرات وراثتی بشود و یا به بافت های بدن آسیب برساند" اگر کره زمین دارای قمرهای چندگانه بوده، که غیر از یکی بقیه نابود شده اند، و باز هم اگر نتیجه آن شده است که انسانها در معرض تابش شدید رادیو اکتیو قرار گرفته اند، پس بطور حتم دلیل پیدایش موجودات غول پیکر همین پدیده بوده است. برای اینکه این موضوع



بهرتر به تصویر کشیده شود، میتوانیم رویدادهائی را که در سال ۱۹۰۲ در جزیره هند غربی به نام "مارتینیک" روی دادند را بخاطر بیاوریم، حادثه ای که منجر به کشته شدن بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر فقط در شهر "سنت پامین" گردید. درست قبل از آغاز فاجعه یک توده غلیظ ابر به رنگ بنفش تیره در بالای دهانه آتشفشان ظاهر شد، که عبارت بود از گازهای اشیاج شده با بخار آب، آن ابر بتدریج گسترده تر شد و بالای جزیره را پوشاند. مردمان ساکن آنجا خبر نداشتند که چه فاجعه ای در انتظار آنهاست! ناگهان ستون آتشی از دهانه آتش فشان تا ارتفاع بیش از ۴۰۰۰ متر به آسمان فوران نمود و گازهای موجود در ابر را شعله ور کرد. گازهای مشتعل با حرارتی معادل ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد در حال سوختن بود، تمامی ساکنان آن جزیره زنده زنده کباب شدند و تنها یک نفر زندانی که در سیاهچال قرار داشت نجات پیدا کرد. شهر فاجعه زده دیگر بازسازی نشد، اما زندگی خیلی زودتر از آنچه انتظار میرفت در آن جزیره آغاز شد. گیاهان و حیوانات در صحنه آنجا ظاهر شدند، اما همگی از اندازه های خارق العاده برخوردار شدند (حیواناتی که به آنجا رفته بودند) سگها، گربه ها، مارمولکها، لاک پشتها و حتی حشرات خیلی درشت هیکل تر از آن بودند که تا آن موقع مشاهده شده بود و ضمناً هر نسل جدید نسبت به نسل قبل خود بزرگتر شده بود. دولت فرانسه برای تحقیق در این مورد تیمی از دانشمندان را در نزدیکی کوه آتشفشان آنجا مستقر کرد و آنها بعد از تحقیقات لازم اعلام نمودند که جهش ناگهانی زندگی گیاهی و حیوانی موجود در آنجا به دلیل تشعشعاتی بوده که از مواد معدنی پرتاب شده به آسمان در حین فعالیت آتشفشانی ساطع شده بود. آن تشعشعات روی انسانها نیز موثر بود، سرپرست تیم تحقیقات دکتر "ژورل گراوور" در طی آن مدت به اندازه ۷ سانتیمتر و همکار دیگرش دکتر "روئن" ۵۹ ساله حدود ۵ سانتیمتر به قدشان اضافه شده بود. برای آزمایش دقیقتر بعضی از شاخه های تازه جوانه زده گیاهان را طوری پوشاندند که اشعه مورد نظر به آنها نتابد و شاخه های هم قد و هم اندازه دیگر آن گیاه را در معرض تابش آن اشعه قرار دادند، طولی نکشید که مشاهده کردند شاخه های اشعه دیده به مراتب بزرگتر از شاخه های محروم از اشعه رشد کرده اند و روی هم رفته در عرض شش ماه به همان اندازه ای رشد نمودند که در مواقع عادی ۲ سال طول می کشیده است. میوه ها خیلی سریع رسیدند و اندازه آنها نیز خیلی درشت تر از حد معمول گردید، تنه های گیاهان کاکتوس نیز قطورتر و دو برابر گردید، حیوانات رده پائین نیز تاثیرات آن اشعه را بروز دادند. مثلاً نوعی مارمولک سمی که در حالت عادی به طول حدوداً ۲۰ سانتیمتر بود، بعد از اینکه در معرض تابش آن اشعه قرار گرفت طول آن به حدود ۵۰ سانتیمتر رسید و شکل اژدهای کوچکی را پیدا کرد و سم زهر آن که قبلاً کمتر کشنده بود، حالا دو برابر سمی تر از مار کبرا شده بود. اما بعد از اینکه آن گیاهان و جانوران را از جزیره "مارتینیک" خارج و دور نمودند دیگر آن رشد غیر عادی را نشان ندادند. در خود جزیره هم وقتی تابش اشعه مورد بحث به پایان رسید آن غولهای کوچولو به حال اولیه خود برگشتند. این حادثه یک معما را در برابر دانشمندان قرار داد!! ایا زمین در سالیان دور تجربه اینگونه تشعشعات را داشته است؟ و اگر بوده عمر این اشعه های مرموز چقدر بوده؟ در افسانه های زیادی از غول نام برده شده، ایا این افسانه ها تنها یک داستان هستند؟ ایا براستی اسکلتهای انسان پنج متری یافته شده، یا باز اینهم یک افسانه است؟ همانطور که در مطلب قبل دیدیم دانشمندانی بودند که نظریه فاجعه اقمار زمین را مطرح کرده بودند. و باز آن تعداد از دانشمندانی که نظریه فاجعه اقماری را رد می کنند، باز هم این عقیده را قبول دارند که اشعه کیهانی عامل غول سازی در روی زمین بوده است که در گیاهان و حیوانات ماقبل تاریخ نمود پیدا کرده بود. خورشید به طور حتم در مراحل اولیه خود مقدار متناهی اشعه کیهانی را به سوی سیارات پیرامون خود انتشار داده بود. حتی در عصر حاضر نیز هر موقع طوفانهای خورشیدی (منظور انفجارات سطح خورشید است) شدت بیابد، تشعشعات کیهانی افزایش پیدا میکند.

در چنین صورتی غول سازی می بایست از آغاز شروع زندگی نباتی و حیوانی در روی زمین وجود داشته باشد نه فقط در دوره تریاسیک (حدود ۱۸۵ میلیون سال قبل) که زمان زندگی دایناسورها بوده است، از طرف دیگر درست است که اشعه کیهانی از طریق جو زمین فیلتر شده و به زمین می رسد، ولی حتما در آن ایام شدت آن بیشتر بوده است. حتی امروزه نیز تابش آن تغییرات غیرقابل انکاری را در بدن انسانها باعث میشود. اگر شدت آن ۶۵۰/۰۰۰ واحد در دقیقه باشد، میتوان از دیوارهای سرب و از آب به عمق ۱۲۰۰ متر عبور نماید. پس تا اینجا نتیجه گرفتیم اشعه کیهانی خورشید میتواند در رشد و نمود گیاهان و حیوانات تاثیر داشته باشد. اما آیا در روی زمین نشانه های دیگری هم وجود دارد؟ پرفسور "لیکی" "پسر پرفسور" لوئیس لیکی " که در حال حاضر سرپرست موزه کنیا میباشد، در آن زمان که پدرش بقایای انسانهای ماقبل تاریخ را کشف نمود پسر کوچکی بیش نبود اما کمک پدر محسوب می شد در آن موقع روزی وی از سر بالائی مقابل تنگه "اولدوای" که در نزدیکی دریاچه ویکتوریا قرار دارد مشغول سعوط بود که تعادل خود را از دست داده و کم مانده بود به ته دره سقوط نماید، و در همان حال که بطرف پائین خم شده بود ناگهان یک تکه استخوان درشتی را مشاهده کرد که قسمتی از آن سر از خاک بیرون زده بود، او شروع به فریاد زدن کرد و همراهان او را بالا کشیدند و آنچه را که دیده بود به پدر گفت و آنها بلافاصله شروع به کنکاش در منطقه کردند، آنها اسکلت و جمجمه ای را از زیر خاک بیرون آوردند که باور کردنی نبود، این اسکلت متعلق به انسانی بود که نزدیک به پنج متر قد داشت و حدود نیم میلیون سال قبل در آن مناطق زندگی میکرد، البته این اولین یافته دانشمندان و باستان شناسان نبود، ولی یکی از بینظیرترین یافته های انسانهای غول پیکر محسوب می شد که بعدها به "غول اولدوای" معروف شد. من اگر بخواهم تمام یافته های دانشمندی که تا امروز جمجمه و اسکلت های انسانهای عظیم الجثه را یافته اند را بگویم همانطور که در مقدمه مطالب عرض کردم یک کتاب مینوی میشود ولی همینقدر اشاره می کنم که در کشورهای چین، هندوستان و قاره افریقا و امریکای جنوبی و قسمتی از اروپا اسکلت های انسانهای عظیم الجثه یافت شده است... این یافته ها نشان میدهد که در روی زمین انسانهای زندگی میکردند که از نظر اندازه و هیکل بسیار درشت تر از نسل امروز بشر بوده است. در یکی از حفاریها که در "گارگایان" فلیپین انجام گرفت اسکلت انسانی به قد پنج متر هفتاد سانتیمتر یافت شد. اسکلت دیگر به قد سه متر در منطقه جنوب شرقی چین یافت شد و طبق اظهار نظر "پنی ون - چانگ" انسان شناس چینی، این انسانها حداقل در ۳۰۰/۰۰۰ سال پیش در آن منطقه زندگی میکردند (یکی از بستگان نزدیک بنده هنگامیکه در سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷ در منطقه سیستان و بلوچستان مشغول خدمت بود میگفت: در آن سالها زلزله ای در منطقه آمده بود و بعضی از افراد بومی آمدند و گفتند در منطقه ای اسکلت های بیرون زده وقتی چند کارشناس به آن منطقه آمدند تشخیص دادند که آنجا قبرستانی متروک بوده است، دوست من میگفت اسکلتها متعلق به انسانهایی بود که بیش از سه متر قد داشتند. این جای تعجب دارد چرا که فردوسی حماسه سرای بزرگ ایران بارها از سیستان و مردان قد بلندش در شاهنامه صحبت میکند. در آینده مطلبی درباره بعضی از افسانه ها و داستانهای کتابهای مقدس دارم) البته انسان شناسان دیگری هم هستند که با "پنی ون - چانگ" درباره زمان زندگی انسانهای غول پیکر اختلاف نظر دارند و بسیاری هم با آن موافقت میکنند. این موضوع در مورد یافته های به عمل آمده در "اقادیر" مراکش نیز صادق است. در آنجا یک افسر ارتش فرانسه به نام سروان "لافانچریک" انبار و ذخائر و لوازم شکاری را کشف نمود که در میان سلاحهای موجود پانصد عدد تبریزین دولبه مشاهده می شد که وزن هر کدام آنها حدود ۱۱ کیلو گرم و همچنین تبرهایی برای قطع درختان به وزن حدود ۶۰ کیلو گرم بدست آمد که با استانداردهای امروزی چیزی حدود ۲۵ تا ۳۰ برابر تبر و تبریزین های امروزی است. و علاوه بر سنگینی وزن، طول و قطر دسته های آن نیز نشان از این دارد که استفاده کننده های آن باید بسیار غول پیکر و نیرومند بوده باشند. مطلب دیگری که محققان این رشته را دچاره حیرت کرده، حکایتها و همچنین افسانهایی است که در میان اقوام مختلف وجود داشته است. مثلا در افسانه های یونان باستان از غول سه چشمی نام برده میشود، تقریبا مشابه همین افسانه نیز در میان سرخپوستان و اقوام وحشی در امریکای جنوبی نیز دیده میشود. در گوشه و کنار این کره خاکی مجسمه هایی وجود دارد که پیام مرموزی را در خود نگه داری میکنند. تونلهای بسیار عریضی که یک کالسکه چهار اسب به راحتی میتواند در آن طردد کند. تمام اینها نشانه هایی است از انسانهای عظیم الجثه یا همان غولهای کتابهای داستانی که در کودکی آنرا میخواندیم. اما یک سؤال مرموز باقی می ماند. "ایا در عصر ما هم غولی وجود دارد؟" جواب این است... شاید!!!



در مورخه ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۶۳ روزنامه شهر "پورتلند" واقع در ایالت "اورگون" گزارشی را منتشر کرد که باعث تعجب و وحشت مردم ایالت "اورگون" گردید: مخلوق عجیب باز هم در شمال غربی دیده شد!! نویسنده مقالات روزنامه به اسم "مارتین کلارک" پی به این امر برد که این گزارش یک مورد دیگر از سلسله گزارشهایی است که از شاهدین معتبر درباره غولهای پشمالوی عجیب نقل شده است. در این مورد بخصوص "کلارک" از شاهدین به عنوان یک مرد "پرتلندی" و دو زن بومی که نسبتی با هم نداشتن و بنا به درخواست ایشان اسمشان در آن شماره از روزنامه چاپ نشده بود نام برد. حادثه در یک قسمت دور افتاده از یک جاده بین گذرگاه "ساتوس" و شهر "تاپینش" در حدود ساعت ۱/۵ بامداد روز یکشنبه مورخه ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۶۳ روی داده بود. آن مرد در حال راندن اتومبیلی بود که آن دو خانم مسافرش بودند و او تازه از یک اتومبیل دیگر سبقت گرفته بود که ناگهان چراغهای جلوییش روی یک موجود عظیم الجثه که در چند فوتی پائین

تر از جاده و در قسمت چپ آن قرار داشت ، افتاد . وی خطاب به خبرنگار فوق گفت : اول فکر کردم که یک تنه کنده درخت سفید رنگ است ، ولی بعد دریافتم که هیچ کنده درختی در آن ناحیه وجود ندارد سپس دیدم که آن دارد حرکت میکند ! سه سرنشین اتومبیل تصدیق کردند که آن موجود یک مخلوق آدم نما به قد ۳ تا ۴ متر و پوشیده از موی درازی بود که در نور جلوی اتومبیل خاکستری جلوه میکرد . آنها فکر کردند که این موجود از داخل گودالی که در مجاورت جاده قرار داشت بیرون آمده است . و هنگامی که نور ماشین به آن خورد خیلی سریع از جاده فاصله گرفت و در تاریکی ناپدید شد . این گزارش سریعاً با سایر گزارشهای متعاقب آن دنبال شد . منجمه یک گزارشی بود که توسط خانواده " مارتین هنریش " به روزنامه داده شده بود . این خانواده کشاورز هنگامیکه در مزرعه خود بودند . چند موجود غول پیکر را دیدند که کنار حوضچه آب مزرعه ایستاده بودند . آقای هنریش تصور کرد که به چند خرس برخورد کرده اما در آن منطقه خرسی به آن بزرگی وجود نداشت . آنها بدون اینکه آزاری به کسی برسانند شروع به خوردن آب کردند و بعد از آنجا دور شدند چیزی که باعث تعجب بود اینکه آنها آب را در میان دستان خود میگریختند و بعد میخوردند و حرکت آنها دقیقاً مثل انسان بود . دیگر پلیس نمیتوانست بی تفاوت باشد ، آنها به سرعت وارد منطقه شدند و چون کنار حوضچه ، گل الود بود به راحتی جای پای آنها دیده می شد . جای پای آنها دقیقاً شبیه انسان بود اما بسیار بزرگتر ، از رد پاهای آنها قالبهایی تهیه شد ، تنها چیزی که می شد عنوان کرد این بود که آنها میمونهای انسان نم بودند . سرخپوستان به این موجودات " ساچ کواچ " میگفتند . و اطلاعات زیادی از این موجودات در دست نبود . سالها گذشت و دیگر خبری از میمونهای انسان نما نبود ، تا اینکه در سال ۱۹۵۴ یک گروه ۶ نفره از معدنچیان که مشغول کار به روی یک حفره کوچک پر منفعت در دامنه شرقی کوه " سنت هلن " بودند . مورد حمله یک دسته نعره کش غول پیکر قرار گرفتند . به استناد خبر جریده " لانگ ویو دیلی نیوز " این موجودات با پرتاب کردن سنگ و چوب به طرف معدنچیان باعث وحشت و فرار آنها شدند . معدنچیان بسرعت خود را به کلبه ای که برای استراحت ساخته بودند رساندند . یکی از معدنچیان بنام " ماریون اسمیت " در گزارشی که به کلانتری " کولیتز کانتی " داده است ، میگوید : من پنج تیر از فاصله نزدیک به یکی از وحشیان زدم اما نتوانستم او را ببندازم ، به گفته معدنچیان در تمام طول شب این جانوران بزرگ در اطراف کلبه آنها نعره می کشیدند و آنرا سنگ باران می کردند ، گاهی این سنگها بقدری بزرگ بود که نزدیک بود کلبه را ویران کند . با دمیدن صبح معدنچیان از کلبه در هم ریخته اشان پا به فرار گذاشتند ، ولی همینطور که می گریختند ، خود را رود روی یک موجود پشمالوی عظیم الجثه که به تخمین آنها قدش بالای ۴ متر و شکل ظاهری آن شبیه یک میمون با موهای بلند سیاه یا قهوه ای تیره بود ، دیدند . طبق گزارش واصله یکی از معدنچیان به طرف آن موجود شلیک کرد و آنها دیدند که وی به داخل یک شکاف بزرگ که از آن زمان به " دره میمون " معروف گردید ، پرتاب شد . گزارش معدنچیان وحشت زده موجب ارسال یک گروه جستجو از طرف دفتر کلانتر شد . در گزارش این گروه آمده : کلبه بطور کامل ویران شده ، بنظر میرسد بعد از خروج معدنچیان آنها دست از خراب کردن کلبه برنداشته اند ، سنگهای بسیار بزرگی به طرف کلبه پرتاب شده که نشان میدهد این موجودات بسیار قدرتمند هستند . جای پاهای این موجودات در اطراف کلبه به چشم میخورد که بسیار شبیه پای انسان است اما اندازه آن بسیار بزرگتر است . در دره آثار خون میخورد اما اینگونه بنظر میرسد که آنها موجود زخمی را با خود برده اند . من برای اینکه این مطلب به درازا نکشد به این نکته اکتفا می کنم .. گزارشات زیادی از دیدن این موجود در جراید مختلف به چاپ رسید . تا اینکه در سال ۱۹۶۷ یک گروه فیلم برداری بنام " دون فرد " توانست یک فیلم کوتاه از این موجود عجیب که مثل انسان راه میرود تهیه کند (بعدها فیلمهای بسیار توسط هالیود ساخته شد) نسل این موجودات بسرعت منقرض شد با ساخت و سازهای انجام گرفته دیگر جایی برای آخرین غول ها نمانده است ..البته در سالهای گذشته خبر از دیده شدن این موجود غول پیکر در اطراف رودخانه " می سی سی پی " و همچنین جنگلهای آموزون بگوش میرسد . آیا اینها نیاکان غولهای داستان ما هستند؟ در آینده نه چندان دور از غولهای تبت با شما خواهیم گفت . اما غولها دیگر یک داستان نیستند.. آنها وجود داشته و شاید هم وجود دارند

